

ما بسیار کم!

سخنرانی افتتاحیه حمید تقوایی در

کنگره دوازدهم حزب

 **حزب کمونیست کارگری ایران**
Worker-communist Party of Iran

۷ دسامبر ۲۰۲۱
مندرچ در انترناسیونال ۱۵۰

به سهم خودم به همه شما عزیزانی که در این کنگره شرکت دارید، به مهمانان، به نمایندگان و به اعضا و کادرهای حزب و همچنین به همه مردمی که از طریق کانال جدید و مدیای اجتماعی این کنگره را دنبال میکنند خوش آمد میگویم.

من در کنگره قبل سخنانم را اینطور شروع کردم که این کنگره تنها گردهمایی یا اجلاس یک حزب معین نیست. بله، از نظر رسمی نمایندگان انتخابی از یک حزب معین در کنگره شرکت دارند ولی از نظر سیاسی و اجتماعی این گردهمایی و اجلاسی است متعلق به همه جامعه. یک جامعه معترض و بپاخاسته.

در فاصله بین دو کنگره این واقعیت هر چه بیشتر خودش را نشان داد. امروز بیش از تقریباً دو برابر نمایندگان، مهمانان به کنگره دعوت ما را پذیرفته اند و در این اجلاس شرکت میکنند، ده ها نفر از داخل کشور پیام داده اند که پیامهایشان را در این کنگره خواهید شنید، و همچنین هزاران هزار نفر از طریق کانال جدید و مدیای اجتماعی کنگره ما را دنبال میکنند. این کنگره متعلق به همه آنهاست.

علت این واقعیت چیست، چرا ما میتوانیم در کنگره ها و گردهمائی های حزبی اینطور صحبت کنیم و اینطور به استقبال یک جامعه معترض برویم؟

از نظر فنی تفاوت بین دو کنگره یازده و دوازده

این است که امروز کنگره را از طریق اینترنت برگزار میکنیم و این اجازه میدهد عده زیادی در آن شرکت کنند. در کنگره های قبل که حضوری بود این امکان وجود نداشت. این واقعیت مهمی را به ما نشان میدهد. آنچه باعث میشد تعداد زیادی که امروز می بینیم نتواند در کنگره های ما شرکت کنند مانعی فنی و جغرافیائی بود. اکنون که این مانع برطرف شده است میتوانیم چنین کنگره هائی برگزار کنیم.

و این نشان میدهد دلیل فاصله سیاسی - اجتماعی نبوده است که باعث شده ما کنگره های وسیع نداشته باشیم بلکه مسائل فنی ای بوده است که امروز برطرف شده است.

این جنبه فنی مساله است ولی از نظر سیاسی و اجتماعی موضوع اینست که جامعه بسیار معترض تر و بسیار یکپارچه تر و متحدتر علیه جمهوری اسلامی بلند شده است. کنگره قبل بعد از خیزش ۹۶ برگزار شد و امروز بعد از خیزش ۹۸ این کنگره برگزار میشود و ۹۸ نقطه عطفی در جامعه ایران بود. نقطه عطفی بود به این معنا که جنگ بی امان و گسترده بین مردم، مردمی که این حکومت را نمیخواهند و می خواهند از شرش خلاص بشوند، با حکومت آغاز شد. حتی نمیشود آنرا حکومت نامید. باید گفت با یک دسته مافیائی قداره بند فاسد. که مثل سندیکای جنایتکاران، مثل بقول انگلیسی **organized crime** ، جنایت

سازمانیافته، بر جامعه چنگ انداخته است. خودشان را به شکل دولت سازمان داده اند ولی یک مافیا است، یک مافیای اقتصادی. مردم این را دیده اند و علیه اش ایستاده اند.

بعد از ۹۸ زدند و کوبیدند و به زندان انداختند و به مردم شلیک کردند، به هواپیما شلیک کردند، بزن و ببند و شکنجه و اعدام را گسترش دادند ولی به همان نسبت جامعه معترض تر، رادیکال تر، شفاف تر، و صریح تر علیه این جانیان به میدان آمد.

بعد از ۹۸ جامعه یک روز آرام نداشت. و امروز می بینید که جنبش عظیمی متشکل از کارگران اعتصابی و مبارز، متشکل از زنان، متشکل از

مادران دادخواه و خانواده های قربانیان شلیک
به هواپیمای مسافربری، متشکل از معلمان و
بازنشستگان، متشکل از فعالین محیط زیست،
جوانان و دانشجویان و خانواده های زندانیان
سیاسی، و طرفدارن محیط زیست و غیره،
در برابر این مافیای اقتصادی قد علم کرده و
مبارزه میکنند.

این گردهمائی گردهمائی همه این مردم است.

ما بسیاریم! ما کارگران هفت تپه، ما کارگرانی
که پرچم شوراها را بلند کرده ایم. ما کارگرانی
که در شورای اسلامی را گل گرفته ایم.

ما بسیاریم! ما مادران دادخواه، مادران آبان و

مادران خاوران. ما خانواده های قربانیان شلیک
به هواپیما. ما مخالفین اعدام و ما مخالفین به
زندان انداختن افراد به جرم سیاسی و مخالف
پرونده سازی های امنیتی.

ما معلمان و بازنشستگانی که پرچم آموزش
رایگان و بهداشت رایگان را بلند کرده ایم. ما
جوانانی که خواهان یک زندگی مدرن و امروزی
و قرن بیست و یکمی هستیم.

ما خانواده های زندانیان سیاسی که میخواهیم
عزیزانمان آزاد شوند و اصلاً مقوله ای به اسم
زندان و زندانی سیاسی نداشته باشیم.

ما اقلیتها و یا مردمی که به مذهب و ملیتهای

دیگر منسوب شده اند و بیشترین تبعیضات در حقشان اعمال میشود.

ما رنگین کمانی ها که بخاطر هویتمان مجرم محسوب میشویم. و بخاطر گرایش جنسی و وضعیت بیولوژیکمان به اعدام محکوم می شویم.

ما بسیاریم. ما کولبران و سوختبران، ما کودکان کار و خیابان، ما کارتن خوابها، ما "هیچ بودگان" که باید "هرچیز" گردیم، ما بسیاریم. و این کنگره صدای همه ماست.

کنگره ها و نشستهای سیاسی زیادی برگزار میشود. دولتها راجع به سیاستهای داخلی و

خارجی شان حرف میزنند، برجام را به بحث میگذارند، راجع به جنگ و صلح حرف میزنند، مانورهای دیپلماتیک میدهند. ولی این جلسه، چنین جلسه ای نیست. این اجلاس بی صدایان است. اجلاس مردمی که در آن کنگره ها منافعشان نمایندگی نمیشود. حتی راهشان نمی دهند.

این اجلاس، این گردهمایی، یک جامعه معترض را نمایندگی میکند. اعتراض به چه؟ اعتراض به یک دارو دسته مافیائی اقتصادی که می دزدد و می برد و جنایت می کند و غارت میکند و فقط یک هدف دارد. حفظ ثروت خودش و حفظ خودش در قدرت.

این حکومت خیلی زده است و کشته است. راه دیگری جز این بلد نیست. جز این نمیتواند با جامعه برخورد کند. ولی همانطور که گفتم از ۹۸ جنگ بی امانی شروع شد و هر روز گسترش پیدا کرد. هر چه حکومت بیشتر کوبید، بیشتر منزوی شد. بیشتر رسوا شد. بیشتر درمانده شد. به هواپیما شلیک کردند. به سر شلیک کردند. و امروز هم میکنند. در همین هفته قبل در اصفهان با تفنگهای ساچمه ای به صورتها شلیک کردند و عده ای را نابینا کردند. دستگیر میکنند و می زنند و می کوبند. و هر چه بیشتر چنین میکنند، ضعیف تر میشوند. هر چه بیشتر میزنند و میکوبند مردم معترض تر میشوند. جنبش بیشتر گسترش پیدا میکند.

ما شاهد بودیم روز قبل از برگزاری این کنگره
معلمان در بیش از ۷۰ شهر به خیابانها آمدند.
قلب اصفهان همچنان میتپد و همچنان
معترض است. اصفهانی که نمونه باشکوهی
از یک اعتراض و مبارزه شبانه روزی را در
طی دو هفته به نمایش گذاشت. خوزستانی که
علیه بی آبی بلند شد. در مقابل چه کسی این
اعتراضات اتفاق می افتد؟ در تقابل مافیائی که
متشکل شده از جنگل خواران و آبخواران و
زمین خواران و معدن خواران و سلاطین ارز و
سلاطین سکه و سلاطین شکر و سلاطین نفت
و غیره و غیره. در گزارشات بود که نماینده
اصفهان اعلام کرده ۱۵۰ میلیون متر مکعب آب
زاینده رود گم شده! کجا رفته؟ کنار دکل‌های

نفتی که چند سال قبل گم شد!

گفته میشود که خشکسالی هست در ایران. میگویند کم آبی بخاطر گرمایش زمین و بخاطر آلودگی محیط زیست است. این یک دروغ است. بله گرمایش زمین یک مساله بین المللی است ولی در ایران این ضرب میشود در یک حکومتی که جز پول پرستی و قدرت پرستی هدف و انگیزه دیگری ندارد.

اگر مساله مردم دنیا در رابطه با محیط زیست سوخته‌های فسیلی است، مساله ایران فسیلهای سوخته است. فسیل هائی که حاکم اند. فسیلهائی که نه بفکر محیط زیست بلکه بفکر جیبهای خودشان هستند. مسیر آب رودخانه

ها را بطرف منافع خودشان کج میکنند. چاه میزنند و سد میزنند که پشتش پول پارو کنند. و بفکر چیزی که نیستند مردم ایران، محیط زیست ایران و معیشت مردم ایران است. و مردم در مقابل اینها ایستاده اند.

چنین به نظر میرسد که حکومت ۹۶ و ۹۸ را کوبید و سر جایش مانده و میزند و میکوبد. ولی همانطور که گفتم این روند مدام به نفع مردم و به ضرر حکومت در حال تغییر است. شما به حال و روز خود حکومت هم نگاه کنید این را می بینید. بجان همدیگر افتاده اند، پای همدیگر را لگد میکنند، به همدیگر سیلی میزنند، درمانده اند، دزدی های یکدیگر را افشا میکنند، چرا اینطور است؟ بخاطر اینکه

بقول معروف گاری حکومت به سربالائی افتاده و اسبها همدیگر را گاز میگیرند. حتی دارند فکر این را میکنند که بعد از سیلی که بقول خودشان در راهست به کدام جزیره در دنیا پناهنده بشوند که دست مردم ایران به آنها نرسد. این را علنا دارند میگویند.

این وضعیت حکومت است. این وضعیت حکومتی است که در درمانده ترین موقعیت خودش قرار دارد بخاطر جامعه ای که در معترض ترین حالت علیه همه شان بلند شده. این خیزش را ما در مبارزات مردم، در مبارزات کارگران، در مبارزات زنان، در جنبش دادخواهی، در جنبش محیط زیست، و امروز در جنبش کشاورزان و در شهرهائی

مثل شهرکرد و اهواز و اصفهان و هفشجان و غیره میبینیم. کارگران دور هم جمع میشوند و مجمع نمایندگانشان را تشکیل میدهند و سیاستهای کلان اقتصادی حکومت را زیر سؤال میبرند. نه فقط علیه دستمزدهای پنج مرتبه زیر خط فقر بلکه علیه مافیای اقتصادی می جنگند. از درون زندانها علیه پرونده سازی های امنیتی بیانیه و اطلاعیه میدهند. مادرانی که عزیزانشان را از دست داده اند در سطح بین المللی و در دادگاههای بین المللی حکومت را به محاکمه می کشند و سکه یک پول میکنند و رسوا میکنند.

این پیشرویهای یک جامعه پپاخاسته است و آن وضعیت حکومتی که برای مقابله با

مردم جلادترینشان را رئیس جمهور کرده و به درمانده ترین وضعیت افتاده است. تمام ترفندهای حکومت، تمام مانورهای حکومت، تمام سرکوبگری های حکومت جواب محکمی از طرف مردم گرفته و میگیرد.

جمهوری اسلامی جامعه ایران را به قعر جهنم برده است. به قعر قرون وسطی برده است. بعضی از اینجا به این نتیجه میرسند که: خب پس کمی وضع بهتر بشود، مردم راضی میشوند. بالاخره بد از بدتر بهتر است. کمی سکولاریسم، کمی آزادیهای شخصی و خصوصی، کمی حقوق بشر از این وضع بهتر است و جامعه آزاد و راضی می شود. اشتباه میکنند. سخت اشتباه میکنند. این جامعه

مشت به آسمان میکوبد. مردمی که به قعر
جهنم رانده شده اند بر نمیگردند سر جای
اولشان بایستند. من همیشه گفته ام فنی که
با فشار عقب راندید وقتی رها بشود از موقعیتی
که قبلا داشت بسیار جلوتر خواهد رفت.
جامعه ایران آخرین ها را میخواهد. همه رفاه را
میخواهد، همه آزادی را میخواهد، همه برابری
را میخواهد، همه مدرنیسم را میخواهد، همه
فرهنگ پیشرو را میخواهد. مردم به کم رضایت
نمیدهند. حتی آنهایی که میگویند خشونت
نباید کرد و مسالمت آمیز باید بود باید گفت اگر
میخواهید خشونتی نشود باید همه خواسته‌های
مردم را متحقق کنید. خواسته‌های انسانی‌شان
را. خواسته‌های جوانان، خواسته‌های زنان،
خواسته‌های کارگران، خواسته‌های کشاورزان،

خواستهای کولبران، خواستهای هیچ بودگان.
اینها را باید جواب بدهید تا بتوانید یک جمعه
شاد و مرفه و مسالمت آمیز ایجاد کنید و تا
وقتی این خواستها زیر پای دولتها له میشود
مردم آرام نخواهند نشست.

و این کنگره اجلاسی است که این امر را
میخواهد متحقق کند. میخواهد همه آزادی و
همه رفاه و همه برابری را برای مردم به ارمغان
بیاورد.

من از قول حزب و اگر اجازه بدهید از قول کل
این کنگره، همه مهمانان، همه عزیزانی که اینجا
هستند اعلام میکنم که ما عزم جزم کرده ایم
که جمهوری غارت و چپاول و دزدی اسلامی
را بزیر بکشیم. و تا وقتی این اتفاق نیفتد از

پای نخواهیم نشست. من اعلام میکنم که این کنگره یک جامعه بپاخاسته و معترض است در مقابل یک حکومت مفلوک و درمانده و ما با همبستگی و با اتحاد و با یکپارچگی خود جمهوری اسلامی را بزیر خواهی کشید و یک جامعه انسانی را برپا خواهیم کرد.

اجازه بدهید یکبار دیگر حضور شما در کنگره مردم بپاخاسته ایران، به کنگره همه آزادی و همه برابری و همه رفاه، به کنگره حزب کمونیست کارگری ایران خوش آمد بگوییم.

متشکرم.

۷ دسامبر ۲۰۲۱

وب سایت:

www.wpiran.org

تماس با حزب:

پیامگیر تلگرام: **wpi_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام